

بگذارید با عروسک‌هایم بازی کنم

Photo: Mana Neyestani/tavaana.org

ماهرخ غلامحسین پور

مادرم هفده سالش بود که مرا به دنیا آورد. شانس بیشتری نسبت به دخترهای دور و بر داشت و کمی دیرتر به خانه بخت رفته بود. وقتی همسر دایی حسین را با موهای شلال و صورت بزرگ کرده با سرخاب و سفیدآب آوردند خانه دایی، حتی ده سالش هم نمی‌شد و عروسک پنبه‌ای دست‌ساز مادر بزرگش را توی بغلش سفت و محکم گرفته بود. این قانون تنها شامل حال دختران نمی‌شد. برادر بزرگ مادرم هم به اذن پدر بزرگ وقتی چهارده سالش کامل شده بود، زن گرفت و تشکیل خانواده داد.

متأسفانه ازدواج کودکان مختص روزگار گذشته و محدود به نظام مبتنی بر کارکرد و نقش خانواده در تولید و مصرف و تلاش برای دستیابی به گشایش اقتصادی نیست. در دنیای مدرن امروز هم آمارها تکان‌دهنده است. بخش قابل‌توجهی از ازدواج کودکان زیر پست شهر رخ می‌دهد، اما گزارش نشده و در آمارها حساب نمی‌شوند. ازدواج کودکان در محله‌های حاشیه شهرهای بزرگ یک رویه عادی و معمولی است. استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی و غربی، فارس، زنجان، حاشیه تهران، همدان و مازنداران به ترتیب و به لحاظ فراوانی در بالای این جدول قرار دارند.

گشاده‌دستی قانون برای ازدواج کودکان

بر اساس ماده ۱۴۰۱ قانون مدنی، ازدواج دختران تا قبل از سن ۳۱ سالگی و پسران تا پیش از سن ۵۱ سالگی با اجازه ولی و به شرط مصلحت از سوی قاضی دادگاه صالح قابل انجام است. این قانون به این معناست که ازدواج بعد از سن ۳۱ برای دختران و سن ۵۱ برای پسران منعی ندارد.

«مهرنوش» مددکار اجتماعی است. او در اتاق «مادر و کودک» اداره دادگستری یکی از شهرهای دورافتاده استان خوزستان کار می‌کند و شاهد طرح شکایت‌های دردناکی است که از سوی کودک-مادرانی مطرح می‌شود که به آنجا پناه می‌برند:

«باورتان نمی‌شود حتی توان نگه داشتن بچه‌های که زده بود زیر بغلش را هم نداشت. خودش واقعا بچه بود و من فکر می‌کردم هر لحظه ممکن است بچه بیفتد روی موزایک‌های دفتر. شناسنامه و اوراق هویتی نداشت، هم خودش هم بچه‌اش! نمی‌دانستم باید چطور کمکش کنم؟ نمی‌شد فهمید دقیقا چند ساله است اما تصور نمی‌کنم بیشتر از سیزده سال داشت. از آن سیزده‌ساله‌های لاغر و درگیر سوء تغذیه که شاید چند ماه گذشته نه گوشت خورده بود نه میوه. بچه را گذاشته بود روی پهلوی راستش تا بتواند وزنش را تحمل کند. گفت هشت سالش بوده که ازدواج کرده. پدرش او را به شوهرش دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان فروخته! پدرش به یک جاعل اسناد پول داده بود تا برایش گواهی رشد تقلبی درست کنند. می‌گفت حتی بالغ نشده بود که شوهرش به او تجاوز کرد. چون اوراق هویتی نداشت مدرسه هم ثبت‌نامش نکرده بودند. حالا مردک او را توی همان آگونک اجاره‌ای که اجاره‌اش هم پرداخت نشده گذاشته و رفته و او آمده بود پرسد جایی هست که بتواند برای بچه‌اش شیر خشک بگیرد؟ مشکل یکی دو تا نبود. اوراق هویتی خودش و بچه، وضعیت نابسامان تغذیه، ثبت نشدن ازدواج غیرقانونی، خشونت جنسی که به گواهی پزشک مورد اعتماد دادگستری موجب انواع و اقسام قارچ‌ها و عفونت‌ها شده بود، نداشتن جایی برای زندگی و ترس از خشونت پدر. یک‌بند تکرار می‌کرد پدرم بفهمد من و این بچه را می‌کشد! مطمئنم.»

«زهره کهرام» در طول چند سال گذشته دبیر سمینار «ازدواج اجباری کودکان در محلات حاشیه» بوده است. او امسال در مراسم پایانی این سمینار گفت حتی دختر پنج‌ساله را در استان سیستان و بلوچستان شوهر داده‌اند. دو سال قبل هم به [ایسنا](#) گفت در سال ۴۹ بیش از ۸۲ هزار و ۲۴۲ کودک تا پیش از رسیدن به سن ۵۱ سالگی ازدواج کرده‌اند. او تأکید کرده بود نباید در مقابل این پدیده سکوت کنیم چرا که مساله ازدواج کودکان در کشور نگران‌کننده است.

دکتر «شهلا اعزازی»، جامعه‌شناس و مدیر بخش مطالعات زنان انجمن جامعه‌شناسی ایران نیز این افزایش آمار را تأیید و در این مورد اظهار نگرانی کرده و [گفته بود](#) بر اساس یک پژوهش، آمار ازدواج کودکان در حال افزایش است طوری که در سال ۴۹ نسبت به سال‌های قبل، آمار این کودکان ده هزار نفر افزایش یافته است.

بعد از این هشدارها بود که فراهسیون زنان مجلس از تلاش برای تصویب طرحی برای بالا بردن سن ازدواج دختران از 13 به ۵۱ سال [خبر داد](#). طرحی که به نظر می‌رسد مخالفانی جدی دارد و عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به هر دلیل از تصویب آن ناراضی بوده و با آن مقابله می‌کنند.

« سعیده » مددکاری است که با نمونه‌های ازدواج کودکان از نزدیک روبرو شده است. او این پدیده را به خودی خود عامل ایجاد یک وضعیت پیچیده از خشونت می‌داند: « دقت کنید دخترچه‌ای که باید عروسک‌بازی کند یک‌باره با حذف دوران کودکی راهی مراحل زنانگی و میانسالی می‌شود. هم‌خوابگی او با همسرش در واقع نوعی تجاوز جنسی است. او در سن کودکی باردار می‌شود و گاهی حاصل این ازدواج‌ها کودکانی هستند که تولدشان ثبت نمی‌شود. خشونت فیزیکی زیادی در این فرآیند قابل مشاهده است. آنها در معرض پیچیده‌ترین شکل خشونت هستند و گاهی به جز فقر و محرومیت از تحصیل به تن فروشی هم رو می‌آورند. باید اقدام به خودکشی و افزایش پدیده کودک- بیوه، مشکل بهداشت باروری و بهداشت شخصی، افسردگی و اختلالات رفتاری، و جدایی از جامعه هم‌سالان و دوستان و خانواده را هم به آن مجموعه اضافه کنیم.»

رونمایی از کتاب تحقیقی « حلقه، نگاهی به ازدواج زودهنگام در ایران »

مراسم رونمایی کتاب تحقیقی « نگاهی به ازدواج زودهنگام در ایران » به قلم « رایحه مظفریان » از سوی انتشارات « روشنگران و مطالعات زنان » با استقبال مواجه شد و شاید بتوان انتشار چنین تحقیقاتی را نشانه خوبی برای بازشکافی، بررسی و سرانجام اصلاح این معضل اجتماعی دانست.

این پژوهشگر به خانه امن می‌گوید رسم ناخوشایند ازدواج کودکان، مختص جامعه ایران نیست: « با اینکه ازدواج کودکان هر جایی ممکن است اتفاق بیفتد اما اکثریت مردم در سراسر جهان، ازدواج کودکان را نوعی خشونت و تجاوز تلقی می‌کنند. آنها بر این باورند که ازدواج کودکان ممکن است به خشونت‌های زودهنگام جسمی و جنسی، بهره‌کشی و قاچاق منجر شود و به همین دلیل هم باید در پی ریشه‌یابی آن باشیم. من در پی بررسی آماری جامعه ایران در این مورد بودم. می‌خواستم برای این سوال که چطور می‌توان برای آینده کودکان در معرض خطر برنامه ریزی صحیحی در پیش گرفت پاسخ درستی پیدا کنم.»

رایحه مظفریان « کمپین گام به گام تا توقف ازدواج کودکان » را هم راه‌اندازی کرده است. بادکنک نارنجی نماد این کمپین است. نماد کودکانی که به اجبار و از سر ناآگاهی خانواده از دنیای کودکی جدا می‌شوند تا بدون تجربه کافی و طی مسیر رشد مناسب و طبیعی، راه بزرگسالی پیش از موعد را آغاز کنند.

او به خانه امن می‌گوید برای فعالیت کمپین و نوشتن کتابش تلاش زیادی کرده و یافتن علت واقعی این ازدواج‌های خشونت‌بار و زودهنگام برایش اهمیت زیادی دارد: « کتاب حلقه و تحقیقاتی که من انجام داده‌ام نتیجه ماه‌ها تلاش و سفر به نقاط مختلف ایران است. مجموعه‌ای که سرشار از ارقام و آمار است، زیرا همین آمار ازدواج و طلاق در سنین مختلف در ایران به روشن کردن وضعیت در گذشته و حال کمک می‌کند. شاید براساس آن بتوان روند آینده را پیش‌بینی کرد و برای یافتن راه‌حل گام برداشت.»